

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

۲۸ فبروری ۲۰۱۴

۸

- بسط نهضت کمونیستی و مبارزه با خطر فاشیسم در سال های ۱۹۳۵ – ۱۹۳۹

در سال های ۱۹۳۰ – ۱۹۴۰ تحولات عظیمی در زندگی اقتصادی و سیاسی اتحاد شوروی و جهان سرمایه داری به ظهور رسید. این دوره در اتحاد شوروی دوره مبارزه برای ساختمان جامعه سوسیالیستی بود. خلق شوروی به رهبری حزب کمونیست و در رأس آن ستالین کشور خویش را به صورت قدرت صنعتی عظیمی با کشاورزی اشتراکی پیشرفته در آورد. پیروزی سیستم اجتماعی سوسیالیستی در اتحاد شوروی دارای اهمیت تاریخی جهانی بود. از سوی دیگر، بحران وخیم اقتصادی سال های ۱۹۲۹ – ۱۹۳۳ بنیاد جهان سرمایه داری را لرزاند و موجب تشدید تضاد هائی گردید که آن را از درون می جوید. بورژوازی امپریالیستی در عده ای از کشور ها برای بیرون آمدن از این وضع دشوار به پشتیبانی از شیوع فاشیسم و استقرار رژیم فاشیستی و به عبارت دیگر استقرار ارتجاعی ترین، تروریست ترین و شوینیست ترین دیکتاتور سرمایه انحصاری دست زد. وقتی که در سال ۱۹۳۳ نازی ها به قدرت رسیدند کانون بسیار خطرناک جنگ در المان برپا شد. فاشیست ها دیوانه وار بر نهضت کارگری، کمونیستی و دموکراتیک حمله بردند و شتابان به تدارک جنگ تهاجمی پرداختند. پس از آن که در ۱۹۳۲ جاپان میلیتاریست بر چین حمله برد و در ۱۹۳۵ ایتالیای فاشیست بر حبشه تاخت خطر جنگ جهانی جدید باز هم بیشتر شد. خطر فاشیسم، خطر جنگ دوم بین المللی جهان را تهدید می کرد. دولت های غربی که به ادعای خود «دموکراتیک» بودند، مانند انگلستان، فرانسه و امریکا به جای آن که در برابر این خطر به اقدامات مؤثر دست بزنند به پشتیبانی از میلیتاریسم کشور های فاشیستی مبادرت جستند و از طریق سیاست شوم «عدم مداخله» به ترغیب تهاجم فاشیستی پرداختند به این خیال که آن را علیه اتحاد شوروی توجیه کند. فقط دولت شوروی و احزاب کمونیست با تمام نیرو و برای زمام زدن به تجاوز کاران مبارزه کردند...

هفتمین کنگره انترناسیونال کمونیستی

وضع جدیدی که در اثر خطر فاشیسم ایجاد شده بود در سراسر جهان وظائف جدیدی در برابر احزاب کمونیست می گذاشت. کنگره هفتم انترناسیونال کمونیستی که در جولای ۱۹۳۵ در مسکو تشکیل شد ضرورت توسعه جبهه مبارزه با تعرض سرمایه و فاشیسم را تأیید کرد. کنگره در این زمینه وظیفه داد که جبهه واحد طبقه کارگر به ضد فاشیسم از طریق تحقق وحدت عمل کارگران ایجاد شود و جبهه وسیع توده ئی ضد فاشیستی بر این اساس به وجود آید. احزاب کمونیست برای ایفای این وظائف و نفوذ در توده های وسیع کارگر می بایست بر یک سلسله از نقائص خویش مانند بقایای سنن سکناریستی فائق آیند، شیوه های تبلیغ و تهییج را که در بسیاری از موارد جنبه تجریدی داشت اصلاح کنند و آنها را با نیازمندی های مستقیم و منافع روزانه توده ها پیوند داده هرچه مشخص تر گردانند. کنگره به همه خلق ها ندا داد که نیرو های خویش را برای کمک به کشور هائی که به خاطر استقلال خود با یوغ امپریالیستی در پیکاراند تجهیز کنند.

تصمیمات کنگره هفتم کمینترن نشانه مرحله جدیدی در رشد بعدی نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی بود. به کار بردن خلاق آنها در شرایط خاص هر کشور به کمونیست ها راه می داد که در رأس توده های وسیع خلق قرار گیرند و به صورت نیروی عمده و رهبری نهضت کارگری، دموکرات ها و ضد امپریالیستی در آیند. تصمیمات مذکور توجه خلق ها را به خطر فاشیسم معطوف می داشت و راه جلوگیری از به قدرت رسیدن فاشیسم را نشان می داد. این تصمیمات برای کلیه کشور ها و به ویژه کشور هائی که مانند البانی مورد تهدید مستقیم فاشیسم بودند اهمیت عظیمی داشت.

ادامه دارد...